



# تختی فوتبال

## درباره زندگی فوتبالی منصور خان امیرآصفی، کاپیتان اسبق تیم ملی که مظهر وفا بود

که آخرین مسئولیت رسمی‌اش مدیریت تیم ملی فوتبال ایران بود (۱۳۷۶) و آنجا پای دفاع از مستر ایوبیچ، تلفات داد و مجبور به کناره‌گیری شد. «تختی فوتبال ایران» چند روز بعد از تحلیل از وی در جشن یکصد سالگی فوتبال ایران، در اثر بیماری سرطان درگذشت. مردی که به خاطر تیمار تمام‌مدت از مادرش هرگز ازدواج نکرد و در زندگی خانوادگی نیز شمایل فداکاری و وفا بود. این گزارش قصه ادای دینی به اوست و تمام درآمدش در نیم قرن حضورش در فوتبال، همان هزار تومانی است که در راهیابی به المپیک ۱۹۶۴ توکیو گرفت:

منجر شد. امیرآصفی اولین بار در دوران مربیگری فرانس مساروش-مربی مجاری- به تیم ملی دعوت شد (۱۳۳۸) و در دفاع راست این تیم مهره‌ای جنگجو و نامبروان بود. او به عنوان شاگرد اول کلاس مربیگری دتمار کرام، بعد از گذراندن دوره‌های مربیگری پیشرفته در لندن و آرسنال، در طول دوران کوچینگش مربیگری تیم‌های آزارات، برق، پرسپولیس و دارایی را برعهده گرفت و به ویژه در دو تیم آزارات و پرسپولیس رویکردهایی اخلاق‌گرایانه و ستاره‌ستیزانه داشت. در حوزه‌های مدیریتی نیز نه تنها حضور در جایگاه ریاست هیأت فوتبال تهران را تجربه کرد،

کمالات غریب و پاک‌دستی دلپذیر و فروتنی ابدی. منصور امیرآصفی متولد ۱۳۱۲ تهران و درگذشته به سال ۱۳۸۸ کاپیتان تیم ملی فوتبال ایران در مسابقات فوتبال المپیک توکیو (۱۹۶۴) بود. دوران جوانی را در تیم‌های شرق، سینا، نیرو و سرانجام تیم کیان (۱۳۳۶) بازی کرد و تا پایان دوره بازیگری عضو این تیم بود. در تیم کیان دو ستاره بزرگ فوتبال ایران -علی پروین و پرویز قلیچ‌خانی- را زیر چتر خود گرفت اما سلطان چشم‌تپله‌ای بعدها هنگامی‌ها که منصور خان مربی او در پرسپولیس شد (۱۳۵۶) برخوردی کلنگی با او کرد که تا ابد به دل شکستگی‌اش



ابراهیم افشار

Ebrahim Afshar

مقدمه: در فوتبال ایران اگر بتوان برای غلامرضا تختی، یک بدیل و نمونه مشابه تراشید هیچ اسمی جز منصور خان به خاطر نمی‌آید. یک اسم و دیگر هیچ. مردی با چشم‌های مورب و قد و بالای محترم و لبخندی احترام‌برانگیز و